

شب های یاسین

قسمت اول

ابوالفضل هدایتی



کیفم را روی دوشم انداختم و لبخند زنان گفتم:
- یادتان نرود!

همکارها که حالا توی پیاده رو بودند، خندیدند و گفتند: نه! قرار بود که خانم عزیزی بیاید خانه مان. بالاخره حاضر شده بود که از خلوت رازآلود و معنوی اش بیرون بیاید و ما را به فیض روحانی نزدیک کند. هفته پیش که با هم تلفنی صحبت کرده بودیم، خانم عزیزی گفت: سه سعادت نصیب شده دخترم! سعادت زیارت مولا علی بن موسی الرضا^(ع)، سعادت گفتگو درباره منزلت بلند یاسین و بالاخره سعادت دیدار با شما معلمان که وارثان انبیاء هستید! موقع خداحافظی این بیت را خواندم:

زملک تا ملکوتش حجاب بر دارند هر آن که، به خدمت جهان نما بکند!
و گفتم: یعنی ما بچه ها می توانیم قدر شناسی جام جهان نمایی مثل شما باشیم؟ در جوابم، شمرده شمرده این بیت را خواند:

بسوخت حافظ و بویی به زلف یار نبرد مگر دلالت این دولتش، صبا بکند!
در موزه قرآن کریم با خانم عزیزی آشنا شده بودم ناگفته های زیادی درباره قرآن و آیه ها و آموزه های نجات آن داشت. وقتی از سوره مبارکه یاسین، سخن به میان آمد، گویی در آسمان معانی بال گشوده است. دست در دست هم بیرون آمدیم و قدم زنان رفتیم. هر گامی که برمی داشتیم بذر شوقی بود که یاسین در قلبم می کاشت. پیش از دیدار با وی قرآن می خواندم و در آیات آن می اندیشیدم، ولی میان سوره های وحی چندان تفاوتی نمی دیدم. اگر سوره هایی در نگاهم، متفاوت بودند، شاید سوره های «قدر» و «توحید» و «حمد» بودند. اصلاً فکر نمی کردم که سوره یاسین این قدر منزلت و تأثیر معنوی در روح و روان آدمی داشته باشد. شاید به این خاطر بود که چندان در آیات سوره یاسین تدبر نداشتم. حقیقت همین بود.

گل باید از درخت باز کنی، تا بوی آن، به شرط یابی!
روی نیمکت پارک نشسته بودیم که روبه خانم عزیزی کردم و گفتم:

- چرا امام صادق (ع)، سوره یاسین را «ریحانه قرآن» خوانده است؟
- دخترم! مگر هر بوستانی، گلی ندارد که سرآمد گل‌های دیگر باشد؟
- چرا.

- خداوند رحمان که گلستان وحی را برای خاتم پیامبران آراست، یاسین را ریحانه قرآن ساخت. حال چه کسی می‌تواند بوی این ریحانه را به تمام روحش نزدیک کند؟ باید گفت که چنین کسی، یا رسول است، یا ولی، یا عارف.

- خانم عزیزی! منظورتان از عارف یا عارفان، همان کسانی اندر که در تاریخ عرفان اسلامی، چهره‌های نامور و ماندگارند؟ مثلاً حافظ و مولانا و شیخ عطار؟

- پرستو جان! گاه یک عامی می‌تواند عارف بشود و گاه یک عالم می‌تواند عارف بشود و گاه یک سالک که منازل سیر و سلوک معنوی را طی می‌کند. منظورم از عرفان و عارف در این جا، شناختن مفهوم فلسفه وحی است. کسی که به حقیقت آیات قرآن کریم پی ببرد، یک عارف است؛ عارف به منزلت قرآن.

- هر کس عارف به منزلت قرآن باشد، عارف به منزلت سوره یاسین هست مگر نه؟
- دقیقاً. یعنی غیر ممکن است که کسی به راستی و درستی، قرآن را بشناسد، اما منزلت یاسین یا ریحانه قرآن را نشناسد.

- چرا بعضی‌ها مثل من، به عظمت سوره مبارکه یاسین پی نبرده‌اند؟ هم، قرآن می‌خوانم و هم در سوره و آیات قرآن می‌اندیشم. ولی تا حالا یاسین را سوره‌ای متفاوت نمی‌دیدم.
- شاید به این خاطر باشد که از نظرگاه پیامبر یا وارث معصوم پیامبر، به سوره مبارکه یاسین نگریده‌ای نشده.

- ما کجا و آنان کجا؟!!

- در این که ما انسان‌های کامل نیستیم، تردیدی نیست. ولی منظورم این بود که یا گفتار و سفارش حضرت رسول (ص)، و خاندان آن حضرت درباره منزلت یاسین را نمی‌دانیم و یا به آنها اعتنا نکردیم. توی موزه قرآن، از منزلت سوره‌های حمد و قدر گفتی، مگر نه؟
- آره.

- چرا قدر و منزلت آن سوره‌ها را نمی‌دانی؟

- یک مقدارش به خاطر تفکر و تدبیر است. یک مقدارش هم به خاطر تفسیر خواندن. و شاید یک مقدارش هم به دلیل این باشد که در نماز، این سوره‌ها را می‌خوانم. یعنی ممکن است انس گرفتن با آن سوره‌ها، باعث آشنایی بیشتر شده؟

حالا اگر با سوره یاسین انس بگیرم، مثل شما عارف به منزلت یاسین می‌شوم؟

- من که سوره مبارکه یاسین را نمی‌شناسم، شاید کمی بیشتر از تو بدانم دخترم! باید همه‌مان سعی

کنیم که مثل اولیای حق، عارف به حقیقت یاسین بشویم .

- یعنی چطوری؟

- ببینیم که آنها چه جور نگاهی به سوره یاسین داشتند . وقتی حضرت صادق^(ع)، سوره یاسین را ریحانه قرآن کریم می شناساند، یعنی چه؟ آن جناب، قرآن را به یک گلستان همانند کرده . بعد یک سوره از صد و چهارده سوره را گلی زیباتر و خوش بوتر دیده است . و بعد هم به پیروان خود سفارش نموده که سوره یاسین را به دختران و پسران خویش بیاموزید .^۲ تا حالا این حدیث یا حدیث های دیگری پیرامون یاسین خوانده بودی یا شنیده بودی پرستو جان؟

- نه!

- مشکل بزرگ جامعه دینی ما همین است .

- یعنی بیگانگی با معارف اهل بیت عصمت و طهارت^(ع)؟

- دقیقاً .

- وقتی یک جوان قرآن خوان و قرآن شناسی مثل تو، این گونه حدیث ها را نشنیده باشد، دیگر از جوان هایی که اصلاً با این کتاب ارتباطی ندارند، چه انتظاری باید داشت؟ سده های درازی بر تاریخ و فرهنگ شیعه گذشته است . مگر نه؟ چرا شیعیان به دستور امام صادق^(ع)، عمل نکردند؟ اگر نسل در نسل، یاسین را به فرزندان خودشان تعلیم می دادند و آن را با حقایق نهفته در آیات سوره یاسین آشنا می کردند، امروزه هر شیعه، یک یاسین شناسی بود .

- خانم عزیزی! به نقش خانواده ها اشاره

کردید . یعنی ، خانواده را بنیادی ترین کانون آموزشی

یاسین به حساب آورد؟

- حتماً . از طریق خانواده هاست که می شود

معارف خاندان پیامبر^(ص)، را به نسل های امروز و

فردا انتقال داد و مصونیت روحی و فکری شان را

فراهم کرد . من اطمینان دارم که هر دختر و پسر پاک

نهاد ایرانی ، سخن امام معصوم خویش را شنود ،

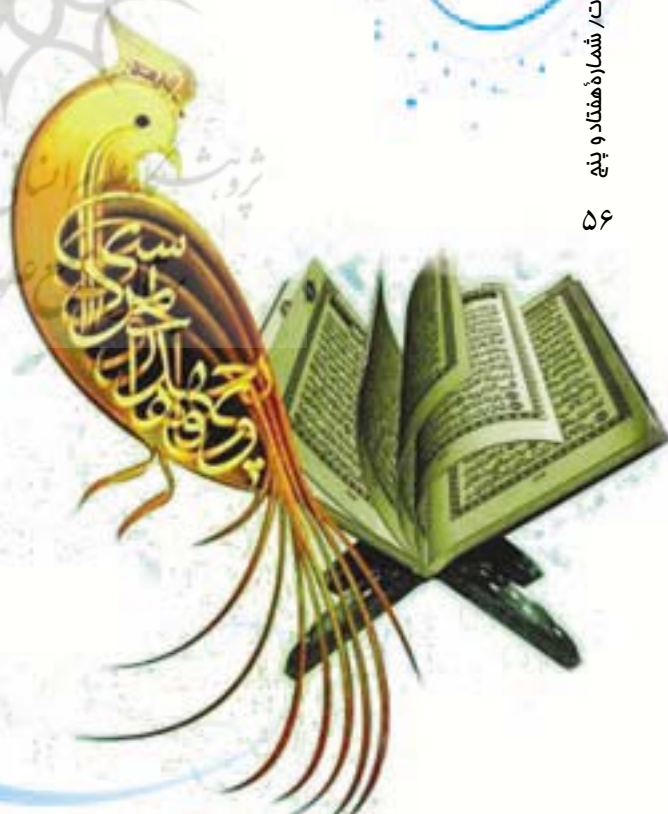
مشتاق آن می شود . چون ، سخن برآمده از دل ولی

حق را می شنود . وقتی آن ها بدانند که سوره

یاسین ، در نگاه امام صادق^(ع)، به گلی قشنگ و

جذاب تعبیر شده احتمالاً به سوی چنین گلی روی

می آورند و با او انس و آشنایی پیدا می کنند . سخن



حضرت، یک سخن روان شناختی است. سفارش تعلیم یاسین به خانواده‌های مسلمان، یک سفارش زندگی بخش است.

- مدرسه‌های ما در ارتباط با سوره یاسین، چه مسؤولیت‌هایی دارند؟ مثلاً ما معلم‌ها چه وظیفه‌هایی در برابر کودکان و نوجوان‌های مسلمان داریم؟

- من خودم یک معلم بازنشسته هستم و هنوز هم افتخار می‌کنم که یک معلم هستم. البته یک معلم پیر!

- تمنا می‌کنم خانم عزیزی! یک معلم پرتجربه! یک معلم راهنما! ما معلم‌های جوان، به معلم‌هایی مثل شما نیاز داریم که به تعلیم توجه دارید به تربیت قرآنی، به خصوص تربیت قرآنی ویژه‌ای که همان تربیت معنوی در مکتب خاندان پیامبر^(ص)، باشد.

- خوشحالم که قرآن و عترت را مطرح می‌کنی پرستو جان! نه قرآن منهای عترت را. این که سوره مبارکه یاسین در جامعه ما ناشناخته مانده و مهجور شده، دلیلی ندارد جز جدایی و بی‌خبری خرد و کلان ما از آموزه‌های الهی و قرآن شناسا نه علی^(ع)، و فاطمه زهرا^(س)، و نسل‌های بزرگوارش. یک مدرسه خوب یا یک معلم خوب را باید در این عرصه نشان داد. اگر مدرسه‌ای، معلم‌هایی علاقه‌مند به قرآن و عترت داشته باشد، بی‌گمان عشق و معرفت به سوره مبارکه یاسین را به روح و اندیشه و رفتار فرزندان مردم انتقال می‌دهند. وظیفه همین است دخترم!

- یعنی گل زیبا و خوش بوی یاسین را از خانه به مدرسه آوردن! آیا کوچه‌ها و خیابان‌های شهر و روستاها، آکنده از معنویت الهی نخواهند گشت؟ آیا در سایه یاسین و آموزه‌های زندگی بخش آن، نسل‌های سالم و فعال و پرنشاط و آینده‌ساز و اعتماد آفرین و مهرورز و حق‌جوی نخواهیم داشت؟ آن روز، روز پر خاطره‌ای شده. از پارک که بیرون آمدیم، همسرم امید را پای درختی چشم به راه دیدم. جلو آمد و به خانم عزیزی سلام کرد. آن‌ها را به هم معرفی کردم. خانم عزیزی خنده‌کنان رو به من کرد و گفت: یک جفت موزون هستید! شاید منظورش این بود که من و امید، هر دو معلم بودیم. ولی انگار چیزهایی در باطن و روان ما می‌دید که به زبان نمی‌آورد.

قصه خداحافظی داشتیم که گفت: تا روزی که تهران هستید، مهمان من هستید. من و امید لبخند زنان به هم نگاه کردیم و بعد گفتم: خانم عزیزی! فقط یک نهار خدمت می‌رسیم. آن هم روز آخر! خندید و گفت: پرستو جان! مهرت به دلم افتاده. عین دخترم دوستت دارم. اگر مایلی که مشهد خانه‌تان نیایم، بسم الله! ناچار خانه خانم عزیزی رفتیم. پیش خودم می‌گفتم! شاید برکت‌های بیش‌تری از سوره مبارکه یاسین در راه باشد. شاید در رفتار خانم عزیزی، جلوه‌هایی از حقایق یاسین را کشف کنم.

ادامه دارد

۱. کشف الاسرار، ۸/۲۰۴

۲. علموا اولادکم یاسین فانما ریحانه القرآن. {بحار الانوار، ج ۲۹۱/۹۲}